

## Mediating Role of Relationship Attributions and Marital Forgiveness on the Relationship between Neuroticism, Attachment Styles and Marital Satisfaction

Zabihollah Kaveh Farsani<sup>1</sup>

Assistant Professor, Department of Counseling, School of Literature, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. (Corresponding author) - KavehFarsani@sku.ac.ir.

### ABSTRACT

Received: 12/01/1400 - Accepted: 20/04/1400

: This research investigates mediating role of relationship attributions and marital forgiveness on the relationship between neuroticism, attachment styles and marital satisfaction. **Methods:** The research method was descriptive-correlational and used path analysis. Total of 240 male and females were selected among all married males and females in Shahrekord city using purposive sampling method according to inclusion and exclusion criteria. They responded to Quality of Marital Index (Norton), Relationship Attribution Measurement (Fincham & Bradbury), the Neuroticism Subscale (Costa & McCrae), Behavioural Systems Questionnaire (Furman & Wehner), Experiences in Close Relationship (Wei & et al), and Interpersonal Forgiving in Close Relationships (McCullough, & et al.). **Findings:** The results showed that evaluated structural model had good fit. The relationship attributions, marital forgiveness, neuroticism, attachment styles directly affected the marital satisfaction ( $p < 0.001$ ); also indirect effect of attachment styles through relationship attributions and marital forgiveness on marital satisfaction ( $p < 0.001$ ). Finally, indirect effect of neuroticism of through only marital forgiveness on marital satisfaction. **Conclusion:** Family counselors and psychologists should help couples whose lives have faced difficulties because of and/or attachment styles (avoidance) to eliminate distorted cognitions and promote forgiveness among them.

**Keywords:** Marital satisfaction, neuroticism, marital forgiveness, attachment styles, relationship attributions



فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره  
انجمن مشاوره ایران  
جلد ۲۰، شماره ۷۹، پاییز ۱۴۰۰  
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10. 10.18502/qjcr.v20i79.7341

## نقش واسطه‌ای اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی در رابطه بین روان رنجوری، سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی

ذبیح الله کاوه فارسانی<sup>۱</sup>

۱. (نویسنده مسئول)، استادیار گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. kavehfarsani@sku.ac.ir

(صفحات ۳۲-۶۰)

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی در رابطه بین روان رنجوری، سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی انجام شد. **روش:** روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان و مردان متأهل شهر شهرکرد بود که ۲۴۰ نفر از آنان به روش هدفمند و براساس ملاک‌های ورود و خروج از نواحی دوگانه شهرداری انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های اسناد ارتباطی فینچام و برادبری؛ مقیاس کیفیت زناشویی نورتون؛ مقیاس روان رنجوری مک کری و کاستا؛ پرسشنامه شیوه‌های رفتاری فارمن و وهنر؛ مقیاس تجارب روابط نزدیک وی و همکاران و بخشش در روابط زناشویی مک کالو و همکاران پاسخ دادند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است؛ همچنین داده‌ها نشان داد روان رنجوری، سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی، بخشش زناشویی و اسناد ارتباطی بر رضایت زناشویی اثر مستقیم ( $p < 0/001$ ) و سبک‌های دلبستگی با میانجیگری اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی و روان رنجوری با میانجیگری اسناد ارتباطی بر رضایت زناشویی اثر غیرمستقیم داشتند ( $p < 0/001$ ). **بحث و نتیجه‌گیری:** مشاوران و روان‌شناسان خانواده باید به زوج‌هایی که به دلیل روان رنجوری و یا سبک‌های دلبستگی (اجتنابی) زندگی‌شان به مشکل دچار شده است، کمک کنند تا الگوهای تعاملی ناکارآمد و همچنین سبک‌های شناختی تحریف شده را برطرف نمایند و بخشش را در بین آنان رواج دهند.

**واژه‌های کلیدی:** رضایت زناشویی، روان رنجوری، بخشش زناشویی، سبک‌های دلبستگی، اسناد

ارتباطی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

## مقدمه

ازدواج یک آیین مهم اجتماعی است که با هدف ارضای نیازهای عاطفی و همچنین یک مرحله گذار به سمت تشکیل خانواده برای همه افراد محسوب می‌شود (دیلدار، سیتوات و یاسین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳؛ ساتیکی و دنیز<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). با وجود اینکه بیشتر از ۹۰ درصد افراد در مقطعی از زندگی شان ازدواج می‌کنند (کییرز، ۲۰۱۷؛ به نقل از کاوه فارسانی، ۱۳۹۹)؛ اما برای برخی از افراد ازدواج مهمترین منبع خوشبختی و رضایت است، این در حالی است که افراد دیگر ازدواج را به عنوان یک وضعیت نگران‌کننده توصیف می‌کنند. از این رو، همه ساله پژوهش‌های بسیاری در زمینه عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی<sup>۳</sup> در سراسر جهان در حال انجام شدن است. انجام چنین پژوهش‌های به چند دلیل مهم و اساسی به نظر می‌رسد؛ اولاً، رضایت زناشویی نه تنها برای رفاه زوج‌ها بلکه برای روابط والدین و فرزندان نیز ضروری به نظر می‌رسد (هولت-لونسِتاد، اسمیت، بیکر، هریس و استفنسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵؛ رولبز، اسلچر، ترومبلو و مک‌گین<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴)؛ دوماً، یکی از فرضیه‌های بسیاری از پژوهش‌های مختلف از دهه‌های گذشته تاکنون این بوده است که کاهش رضایت زناشویی با افزایش طلاق در بین زوج‌ها همراه بوده است (کارنی و برادبری<sup>۶</sup>، ۲۰۲۰؛ هیرشبرگر، سریواستاوا، مارش<sup>۷</sup>، کوان و کوان<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹). پژوهش‌های انجام شده در مورد رضایت زناشویی به عوامل موثری همچون نقش‌های جنسیتی (چن و لی<sup>۹</sup>، ۲۰۱۲)؛ تعهد نسبت به فرزندان (پولنیک، سیدل، بردیت، زریت و فینگیرام<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۷)؛ فرایندهای

1. Dildar, S., Sitwat, A., & Yasin, S.

2. Satici, B., & Deniz, M. E.

3. marital satisfaction.

4. Holt-Lunstad, J., Smith, T. B., Baker, M., Harris, T., & Stephenson, D.

5. Robles, T. F., Slatcher, R. B., Trombello, J. M., & McGinn, M. M.

6. Karney, B. R., & Bradbury, T. N.

7. Hirschberger, G., Srivastava, S., & Marsh, P.

8. Cowan, C. P., & Cowan, P. A.

9. Chen, L. H., & Li, T.S.

10. Polenick, C. A., Seidel, A. J., Birditt, K. S., Zarit, S. H., & Fingerman, K. L.

ارتباطی و بین فردی (لیتزینگر و گوردون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵)؛ هوش هیجانی (لاوالکار، کولکارنی و جاگتاپ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰) و غیره اشاره کرده‌اند. اما در این پژوهش ما قصد نداریم همه‌ی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی را مورد بررسی قرار بدهیم بلکه سعی بر آن است که بر تعدادی متغیر در ارتباط با رضایت زناشویی از جمله روان رنجوری، سبک‌های دلبستگی، بخشش زناشویی و اسنادهای ارتباطی متمرکز شویم.

پژوهشگرانی که در حوزه روابط زوج‌ها کار می‌کنند مدت‌هاست که علاقمند به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی همسران و رفاه و بهزیستی آنان هستند (کائو، یوان، فاین، ژو و فانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). در همین زمینه پژوهش‌های مختلفی نشان داده‌اند افرادی که دارای صفات شخصیتی مشکل‌داری (مانند روان رنجوری)<sup>۴</sup> در ازدواج هستند رضایت کمتری از زندگی زناشویی‌شان گزارش می‌کنند، احتمالاً طلاق را تجربه می‌کنند و به عنوان همسر مشکل‌دار شناخته می‌شوند (فیشر و مک نالتی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸؛ جوانمرد و گاراگزلو<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳). در میان ویژگی‌های مختلف شخصیتی، بررسی‌های پژوهش‌های فراتحلیل نشان داده است که روان رنجوری یک ویژگی شخصیتی مهمی است که بر روی رابطه بین زن و شوهر تأثیر می‌گذارد (مالوف، تورستینسون، شوت، بولار و روک<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰؛ سایه میری، عبدی، دلاوند و کاریم، ۲۰۲۰). روان رنجوری گرایش کلی به تجربه پریشانی، ناراحتی و نارضایتی در طول زمان و صرف نظر از شرایط است. افرادی که امتیاز بالایی در این ویژگی به دست می‌آورند کمتر می‌توانند تکانه‌های خود را نسبت به دیگران کنترل کنند و در موقعیت‌های استرس‌زا بسیار ناپخته عمل می‌کنند (کاستا و مک کری<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸). اما در روابط زناشویی، همسری که نمره بالایی در روان رنجوری کسب می‌کند،

1. Litzinger, S., & Gordon, K. C.

2. Lavalekar, A., Kulkarni, P., & Jagtap, P.

3. Cao, H., Yuan, X., Fine, M., Zhou, N., & Fang, X.

4. Neuroticism.

5. Fisher, T. D., & McNulty, J. K.

6. Javanmard, G. H., & Garegozlo, R. M.

7. Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N. S., Bhullar, N., & Rooke, S. E.

8. Costa Jr, P. T., & McCrae, R. R.

الف) در هنگام تعامل با همسر خود خصوصاً در شرایط استرس‌زا، با عصبانیت و حالت‌های خصمانه با او ارتباط برقرار می‌کند و در نتیجه این منفی‌نگری می‌تواند به ناسازگاری در روابط‌شان منجر شود و ب) همسر روان‌رنجوری تمایل به تفسیر تجارب زناشویی با دیدی بدبینانه‌ای دارد؛ بنابراین ممکن است روابط زناشویی‌شان آسیب‌پذیر شود (کائو و همکاران، ۲۰۱۹). با توجه به آنچه گفته شد، در ارتباط با روان‌رنجوری با رضایت زناشویی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. اما در این پژوهش علاوه بر ارتباط بین روان‌رنجوری با رضایت زناشویی، قصد داریم به بررسی ارتباط روان‌رنجوری با رضایت زناشویی با میانجی‌گری اسناد ارتباطی<sup>۱</sup> و بخشش زناشویی<sup>۲</sup> پردازیم.

بررسی‌هایی که با هدف مشخص کردن مکانسیم‌های ادراکی که روان‌رنجوری از طریق آن با رضایت زناشویی در ارتباط باشد بسیار کم انجام شده است. اگرچه نتایج پژوهش‌هایی مختلفی تأیید کرده است که همسران دارای صفات روان‌رنجوری هستند تمایل دارند که اسنادهای ناسازگاری نسبت به وقایع زناشویی داشته باشند (کارنی و برادبری، ۲۰۰۰؛ کارنی، برادبری، فینچام و سالیوان<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴؛ مک‌نالتی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸). اسنادهای ارتباطی فرایندی است که در آن افراد مایل هستند تا علل زیربنایی رفتار خود و دیگران را بفهمند تا دقیقاً دریابند که چرا آنان و دیگران تحت شرایط خاص به شیوه‌های مشخص و معین عمل می‌کنند، که به این فرایند اسناددهی ارتباطی می‌گویند (گاتمن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸؛ به نقل از خجسته مهر، کوچکی و رجبی، ۱۳۹۱)؛ در این زمینه می‌توان به پژوهش فین، میته و نیر<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) اشاره کرد. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که الف) همسران روان‌رنجور تمایل دارند سناریوهای روابط زناشویی‌شان را مبهم و به روش بسیار منفی تفسیر کنند؛ ب) تفسیرهای منفی و اغلب مغرضانه آنها به عنوان یک مکانیسمی

1. Attributions.

2. marital forgiveness.

3. Fincham, F. D., & Sullivan, K. T.

4. McNulty, J. K.

5. Gottman, J. M.

6. Finn, C., Mitte, K., & Neyer, F. J.

عمل می‌کردند که از طریق آن رابطه بین روان‌رنجوری با رضایت زناشویی رابطه‌ای منفی برقرار بود (و ج) این یافته‌ها پس از کنترل تفسیرهای منفی و مغرضانه همچنان باقی مانده بود. از دیدگاه نظری، اگرچه مکانیسم‌های ادراکی یا رفتاری در پژوهش‌های قبلی تا حدودی تأیید شده‌اند، اما مطالعات کمی آنها را به طور همزمان مورد بررسی قرار داده‌اند و این یک شکاف مهمی است که در پژوهش‌ها وجود دارد به دلیل اینکه (۱) بدون در نظر گرفتن فرآیندهای مختلف به طور همزمان، محققان نمی‌توانند ارتباطات منحصر به فرد مربوط به آنها را با نتایج زناشویی شناسایی کنند و بنابراین آنان نمی‌توانند درک ما را از اینکه چرا همسران روان‌رنجور روابط آشفته‌ای دارند و چه ویژگی‌هایی را دارا هستند، بالا ببرند؛ (۲) بررسی همزمان مکانیسم‌های مختلف ممکن است بینش اساسی برای پاسخ‌گویی به این سوال ایجاد کند که آیا مشاوران و روان‌شناسان هنگام کمک به زوج‌هایی که از روان‌رنجوری رنج می‌برند باید بر روی رفتارهای ناکارآمد و یا شناخت‌های ناسازگار در ارتباط با روان‌رنجوری به صورت جداگانه و یا همزمان انجام دهند و (۳) روان‌رنجوری به عنوان یک ویژگی درون فردی نه تنها ممکن است به روابط خود فرد آسیب بزند بلکه ممکن است منجر به آسیب زدن به رضایت و سازگاری زناشویی هم شود (فین و همکاران، ۲۰۱۳). از این رو، بررسی این موارد برای جلوگیری از آسیب‌های زناشویی از جمله طلاق و یا تعارض‌های زناشویی بسیار مهم و ضروری است.

در ادامه بررسی متغیرهای این پژوهش به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی<sup>۱</sup> (ایمن و اجتنابی) با رضایت زناشویی پرداخته می‌شود. نظریه دلبستگی بالبی<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) به دلیل بازتاب‌هایی که سبک‌های دلبستگی در زندگی بزرگسالان خصوصاً در روابط زناشویی ایجاد می‌کنند، در پژوهش‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است (کاب، داویلا و برادبری<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ شیرن، ویرا، گولارت و واگنر<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). به عنوان مثال، دلبستگی ایمن در

1. attachment styles.

2. Bowlby, J.

3. Cobb, R. J., & Davila, J.

4. Scheeren, P., Vieira, R. V. d. A., Goulart, V. R., & Wagner, A.

افراد بزرگسال همراه با الگوهایی که نشان دهنده آسایش و راحتی همراه با صمیمیت به همسر، حفظ مرزهای مناسب، ایجاد اعتماد، ایجاد روابط طولانی مدت و درخواست حمایت از همسر در صورت نیاز مشخص می‌شود که منجر به افزایش رضایت زناشویی در زوج‌ها می‌شود (داهلینگ و لیبریزی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵؛ بوگارتز، دالدر کناپ، ۲۰۰۸ به نقل از اصلانی، عبد‌الهی و امان‌الهی، ۱۳۹۶). یا در مورد سبک دلبستگی اجتنابی بعضی از پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند که سطح پایین رضایت زناشویی، مشکلات ارتباطی و راهکارهای حل مسئله نامناسب در مورد همسرانی که سطح ناامنی و اجتناب بیشتری هنگام تعامل در موقعیت‌های تعارضی دارند، بیشتر اتفاق می‌افتد (دیتز و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵؛ گلیسون و فیتزجرالد<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴؛ سیدال و لچمار<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶).

در ادامه بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی با میانجی‌گری دو متغیر اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی اشاره می‌شود. برخی از پژوهشگران معتقدند که دلبستگی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده بخشش است، زیرا دلبستگی و بخشش از مفاهیم موازی هستند (برنت، دیویس، گرین، ورثینگتون و بردفیلد<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹؛ برنت، تیلور، ورثینگتون و فورسایت<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). از دیدگاه نظریه دلبستگی هم می‌توان این رابطه را مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند در موقعیت‌های تعارضی مانند تعارضات زناشویی، راه‌حل‌های مختلفی برای آن مشکل در نظر می‌گیرند، عمل و رفتار فرد متخلف را از خود فرد متفاوت می‌دانند، این دیدگاه را دارند که همه افراد دارای صفات و ویژگی‌های مطلوب و نامطلوب هستند، به راحتی همسر خود را درک می‌کنند و احساسات شفقت‌آمیز و بشر دوستانه را در خود ارتقا می‌دهند، در نتیجه بهتر می‌توانند افراد را ببخشند و بیشتر از رابطه‌شان رضایت پیدا

1. Dahling, J. J., & Librizzi, U. A.
2. Deitz, S. L., & etal.
3. Gleeson, G., & Fitzgerald, A.
4. Seedall, R. B., & Lachmar, E. M.
5. Burnette, J. L., Davis, D. E., Green, J. D., & Bradfield, E.
6. Taylor, K. W., & Forsyth, D. R.

می‌کنند (میکلینسر و شیور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵؛ شی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). بنابراین یک مبنای نظری برای پیش‌بینی اینکه چگونه دلبستگی ایمن احتمال بخشش خطا را در روابط بین فردی افزایش می‌دهد، فراهم می‌آورد (لاولر-رو، هایت-ادواردز، کرمانس و وونش<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). از این رو، نظریه دلبستگی ممکن است به ما کمک کند تا تفاوت‌های موجود در افراد را از نظر موارد مثبت، منفی، تمایل و توانایی بخشش از طریق بررسی ویژگی‌های سبک‌های مختلف دلبستگی خاص را درک کنیم (لاولر-رو و همکاران، ۲۰۱۱).

در مورد نقش میانجی‌گری اسناد ارتباطی در ارتباط بین دلبستگی زناشویی و رضایت زناشویی می‌توان به پژوهش‌های مقطعی سومرو و کوزارلی<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) و گالو و اسمیت<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) اشاره کرد. نتایج پژوهش گالو و اسمیت (۲۰۰۱) نشان داد که اسنادهای زناشویی به عنوان میانجی بین دلبستگی و حمایت ادراک شده و تعارضات زناشویی قرار گرفت. این ارتباط را هم می‌توان در قالب نظریه دلبستگی تبیین کرد. فینی و نولر<sup>۶</sup> (۱۹۹۶) در این زمینه استدلال می‌کنند که سبک‌های دلبستگی بر فرایندهای توجه افراد تأثیر می‌گذارد. آنان بیان کردند که توجه افراد براساس نوع دلبستگی‌شان یا به سمت محرک‌ها می‌رود و یا از آنها دور می‌شوند. به عبارتی دیگر توجه آنان به جای تمرکز بر ویژگی‌های محیطی بر مواردی متمرکز می‌شود که ممکن است نیازهای دلبستگی آنها را برجسته کند. به عنوان مثال، افراد دارای سبک دلبستگی ایمن به احتمال فراوان دید واقع بینانه‌ای نسب به جهان دارند و اصولاً محرک‌ها را واقع بینانه و به روش مثبت تری تفسیر می‌کند. برعکس افراد دارای دلبستگی ناایمن (به عنوان مثال، اضطرابی) به احتمال زیاد بر بُعد منفی محرک‌ها توجه‌شان را متمرکز می‌کنند یا افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی برای حفظ خود مختاری خود تلاش خواهند کرد و به احتمال زیاد نسبت به علائم نفوذ یا کنترل

1. Mikulincer, M., & Shaver, P. R.

2. Shi, L.

3. Lawler-Row, K. A., Hyatt-Edwards, L., Wuensch, K. L., & Karremans, J. C.

4. Sumer, N., & Cozzarelli, C.

5. Gallo, L. C., & Smith, T. W.

6. Feeney, J., & Noller, P.



توسط دیگران بسیار حساس هستند و بیشتر انتساب رفتارهای همسر خود را با نیت خصمانه و منفی توصیف می‌کنند (کالینز و رد، ۱۹۹۴). نتایج پژوهش‌های مقطعی سومر و کوزارلی (۲۰۰۴) نشان دادند که دل‌بستگی ناایمن با رضایت از رابطه پایین در ارتباط است و این ارتباط از طریق اسنادهای زناشویی به عنوان میانجی این دو متغیر صورت می‌گیرد. این پژوهشگران همچنین نشان دادند که دل‌بستگی ایمن نسبت به سه نوع دل‌بستگی دیگر (اضطرابی، اجتنابی و ...) از سطح کمتری از اسناد منفی برخوردار بود. بنابراین این مدل نشان داد که دل‌بستگی با رضایت زناشویی چه به صورت مستقیم و چه از طریق میانجی اسنادهای منفی (غیرمستقیم) رابطه داشت.

در ادامه بررسی متغیرهای این پژوهش به بررسی دو متغیر بخشش زناشویی و اسناد ارتباطی در ارتباط با رضایت زناشویی پرداخته می‌شود. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بخشش تأثیر بسیار مهم و مثبتی بر رضایت و ثبات زناشویی و حفظ روابط عاشقانه دارد (برایت وید، میچل، سلبی و فینچام<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶؛ دیوید و استفورد<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵؛ مک نالتی، ۲۰۰۸). بخشش با تعهد بیشتر و تمایل به فداکاری نسبت به همسر (کرم‌انز و وان لنگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴) و کاهش و حل تعارضات مشکل‌ساز (فینچام، بیچ و داویلا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷) در زندگی زناشویی همراه است. نتایج پژوهش‌های مقطعی و طولی بسیاری وجود دارد که نشان دهنده این است که بخشش باعث ایجاد روابط رضایت بخش‌تر می‌شود (لیختنفلد، بوچنر، مایر و فرناندز کاپو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵؛ هوک، ورثینگتون و اوتی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹).

اسنادهایی که افراد در روابط صمیمی در مورد رویدادهای وابسته به رابطه استفاده می‌کنند، ارتباط زیادی با رضایت از رابطه دارد. اسناد زناشویی در پی توضیح و تبیین همسر از رفتار شریک زندگی‌اش در مورد رویدادهایی که در ازدواج شان رخ می‌دهد،

1. Braithwaite, S. R., Mitchell, C. M., Selby, E. A., & Fincham, F. D.

2. David, P., & Stafford, L.

3. Van Lange, P. A.

4. Fincham, F. D., Beach, S. R., & Davila, J.

5. Lichtenfeld, S., Buechner, V. L., Maier, M. A., & Fernández-Capo, M.

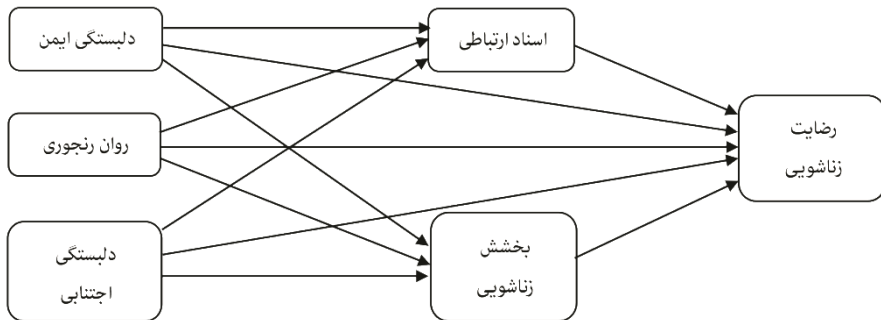
6. Hook, J. N., & Utsey, S. O.

می‌باشد (برادبری و فینچام، ۱۹۹۰). پژوهش‌های بسیاری از این فرضیه که ارتباط بین اسناد زناشویی و روابط زناشویی وجود دارد، حمایت کردند. یافته‌های حاصل از پژوهش‌های طولی نشان می‌دهد این ارتباط می‌تواند به عنوان یک رابطه علی باشد، جایی که اسنادهای منفی منجر به رضایت زناشویی کمتری در بین زوجها می‌شود، اشاره کرد (فینچام و برادبری، آریاس، بیرن و کارنی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷؛ فینچام، هارولد و گانو فیلیپس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰).

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، هدف از پژوهش حاضر ارزیابی مدل روان‌رنجوی و سبک‌های دلبستگی زناشویی با رضایت زناشویی با میانجیگری اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی در میان زنان و مردان متأهلی که ۵ سال از ازدواج مشترک‌شان می‌گذشت، بود. انتخاب مردان و زنان تازه ازدواج کرده به عنوان نمونه در پژوهش حاضر به این دلیل بود که آنان معمولاً زندگی خویش را با تعارضات زناشویی کمتری شروع می‌کنند و در نتیجه یک نمونه عالی را برای شناسایی عواملی که منجر به کاهش یا حفظ رضایت زناشویی می‌شوند، را فراهم می‌کنند (کارنی و برادبری، ۱۹۹۵). در حقیقت، پژوهشی در ایران نشان داد که رضایت زناشویی در ۵ سال اول زندگی به صورت خطی کاهش می‌یابد (پیوسته، دهشیری و موسوی، ۱۳۹۷)؛ در نتیجه برای برخی از زوجها این کاهش چشمگیرتر است؛ به طوری که حدود یک سوم طلاق‌ها در ۴ سال اول ازدواج رخ می‌دهد (کوردیک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱). از این رو بررسی این نمونه برای کاهش میزان طلاق و افزایش رضایت زناشویی در بین آنان بسیار مهم و اساسی است. بنابراین، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سوال‌های اصلی این پژوهش که عبارتند از: (۱) آیا مدل مفروض رابطه روان‌رنجوی و سبک‌های دلبستگی زناشویی با رضایت زناشویی با میانجیگری اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی برانزده‌ی داده‌ها می‌باشد؟ (۲) آیا روان‌رنجوی و سبک‌های

1. Arias, I., Byrne, C. A., & Karney, B. R.  
2. Harold, G. T., & Gano-Phillips, S.  
3. Kurdek, L. A.

دل‌بستگی زناشویی به صورت مستقیم بر رضایت زناشویی تأثیر دارد؟ و (۳) آیا روان‌رنجوری و سبک‌های دل‌بستگی زناشویی به صورت غیرمستقیم و از طریق اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی بر رضایت زناشویی تأثیر دارد؟



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی با استفاده از تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان و مردان متأهل شهر شهرکرد تشکیل دادند. در مورد حجم بهینه در پژوهش‌هایی که از روش معادلات ساختاری استفاده می‌کنند، توافق کلی وجود ندارد. از دیدگاه جیمز استیونس<sup>۱</sup> در نظر گرفتن ۱۵ نفر برای هر پارامتر آزاد به عنوان یک قاعده سرانگشتی خوب به شمار می‌آید (هومن، ۱۳۹۲؛ به نقل از مطوری، عابدی و نیلفروشان، ۱۳۹۹). این پژوهش شامل ۱۳ پارامتر آزاد می‌باشد که به ازای هر پارامتر ۱۵ نفر در نظر گرفته می‌شود که ۱۹۵ نفر می‌شود اما در پژوهش حاضر برای کاهش خطای اندازه‌گیری، حجم نمونه‌ی ۲۵۰ نفری از زنان و مردان متأهل در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. بدین صورت که از بین دو ناحیه‌ی شهری شهرداری شهرکرد، چند بخش انتخاب و براساس کوچه‌های آن بخش‌ها، ۲۵۰ زن و مرد متأهل از مهرماه تا اسفند ماه سال ۱۳۹۹ براساس

1. Stevens, J.

ملاک‌های ورود و خروج که عبارتند از ۱) داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، ۲) تجربه حداقل ۱ و حداکثر ۵ سال زندگی مشترک (۳) تمایل به شرکت در پژوهش و شرایط خروج، عدم تمایل به شرکت در پژوهش، ساکن نبودن در شهر شهرکرد و پاسخ ندادن به اکثر سؤالات پرسشنامه‌ها تعیین گردیده بود، انتخاب شدند. لازم به ذکر است که ۱۰ پرسشنامه پس از بررسی و هنگام ورود داده‌ها اکثر سؤالات بی پاسخ مانده بود که از روند تجزیه و تحلیل کنار گذاشته شد و تحلیل داده‌ها با ۲۴۰ پرسشنامه صورت پذیرفت. در ادامه به ابزارهای به کار رفته در این پژوهش اشاره می‌شود.

۱. **مقیاس اسناد ارتباطی<sup>۱</sup>**: مقیاس اسناد ارتباطی توسط فینچام و برادبری (۱۹۹۲) ساخته شد. فرم اصلی این مقیاس شامل ۲۴ سوال که در دو بُعد علی و مسئولیت طراحی شد. در این پژوهش از فرم کوتاه و ۶ سؤال این مقیاس استفاده شد. این مقیاس رفتارهای زوج‌ها را توضیح و تبیین می‌کند و دلایل مشکلات موجود بین آنان را توضیح می‌دهد. نمره‌گذاری این پرسشنامه روی یک طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) صورت می‌گیرد و حداقل و حداکثر نمره کل پرسشنامه به ترتیب بین ۶ تا ۳۶ نمره به دست می‌آید و نمره دهی هر خرده مقیاس هم بین ۳ تا ۱۸ محاسبه می‌شود. فینچام و همکاران (۲۰۰۲) پایایی فرم کوتاه را با استفاده از روش همسانی درونی آلفای کرونباخ برای مردان ۰/۸۴ و برای زنان ۰/۸۵ گزارش دادند. همچنین برای تعیین روایی این مقیاس، آن را با مقیاس خشم و پرسشنامه اسنادهای مشکلات زناشویی همبسته کردند که نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین مقیاس اسناد ارتباطی و این دو پرسشنامه در حد قابل قبول بود. در ایران خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی ضرایب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای ابعاد علی و مسئولیت به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۸۳ گزارش شد. در این پژوهش از نمره کلی این مقیاس استفاده شد و ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ

۷۰/ گزارش می‌شود.

۲. پرسشنامه کیفیت زناشویی<sup>۱</sup>: این پرسشنامه توسط نورتون<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) و در ۶ سوال در مورد زندگی زناشویی ساخته شد. شرکت کنندگان به ۵ سوال اول این پرسشنامه بر روی یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای ۱ (کاملاً مخالفم) و ۷ (کاملاً موافقم) پاسخ می‌دهند و سوال ۶ یک سوال کلی است که نشان می‌دهد که چقدر از زندگی زناشویی خود راضی و خوشحال هستند. نمره ۱ (میزان شادی کم) و نمره ۱۰ (میزان شادی بالا) را نشان می‌دهد. حداقل و حداکثر نمرات این شاخص بین ۶ تا ۴۵ نمره متغیر است که نمرات بالا کیفیت روابط زناشویی بالایی را منعکس می‌کنند. کائو و همکاران (۲۰۱۹) پایایی این پرسشنامه به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش داد. خجسته مهر و همکاران (۱۳۸۹) پایایی این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش دادند. همچنین به منظور بررسی روایی سازه این مقیاس با همبسته کردن آن با ۱۰ سوال مربوط به متغیر رضایت زناشویی از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد و ضریب روایی سازه آن را ۰/۷۷ گزارش دادند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس، ۰/۹۴ گزارش می‌شود.

۳. زیرمقیاس روان رنجوری<sup>۳</sup>: برای اندازه‌گیری میزان روان رنجوری شرکت کنندگان از زیرمقیاس روان رنجوری پنج عاملی نتواز مک کری و کاستا<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) که شامل ۱۲ سوال است، استفاده شد. در این مقیاس شرکت کنندگان میزان موافقت خود را در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) مشخص می‌کردند. ۴ سوال از ۱۲ سوال به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. در ضمن حداقل و حداکثر نمره‌ای که در این مقیاس به دست می‌آید بین ۱۲ تا ۶۰ می‌باشد که نمرات بالاتر میزان روان رنجوری بالایی را نشان می‌دهند. کاستا و مک کری (۱۹۹۲) پایایی زیرمقیاس روان رنجوری به

1. Quality Marriage Index.  
2. Norton, R.  
3. The Neuroticism Subscale.  
4. Costa, P & McCrae, R.R.

روش آلفای کرونباخ را ۰/۷۹ / گزارش دادند. در پژوهش نیکوگفتار و جزایری (۱۳۹۸) پایایی مقیاس روان رنجوری به روش آلفای کرونباخ را ۰/۶۴ / گزارش داد. همچنین روایی این پرسشنامه در ایران به روش همبستگی مقایسه‌ای آن با پرسشنامه‌ی تجدیدنظر شده‌ی آیزنک. فرم کوتاه در عامل روان رنجوری ۰/۷۲ / گزارش شد (محریبان، ۲۰۱۳؛ به نقل از مرعشی، محریبان و مسلمان، ۱۳۹۵). در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس، ۰/۷۴ / گزارش می‌شود.

۴. پرسشنامه شیوه‌های رفتاری<sup>۱</sup>: این پرسشنامه توسط فارمن و وهنر<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) در ۲۲ آیتم بر روی یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) در ۳ خرده مقیاس دلبستگی ایمن، پریشان و گسسته طراحی شد. در این پژوهش از خرده مقیاس دلبستگی ایمن این پرسشنامه که شامل ۶ سوال می‌باشد، استفاده شد. نمره خرده مقیاس دلبستگی ایمن بین ۶ تا ۴۲ قرار دارد. فارمن، سیمون، شفر و پوآچی<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) در پژوهش خود آلفای کرونباخ سه سبک دلبستگی ایمن، پریشان و گسسته را به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴ و ۰/۸۲ / گزارش دادند. برای تعیین روایی این مقیاس، آن را با مقیاس هازن و شاور، مقیاس سبک دلبستگی بزرگسالان کالینز و رید همبسته کردند که نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین مقیاس شیوه‌های رفتاری و این دو پرسشنامه در حد قابل قبول بود. و رابطه معناداری داشتند. در ایران در پژوهش کردی، اصلانی و امان اللهی (۱۳۹۶) پایایی این خرده مقیاس را به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۸ / گزارش دادند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس، ۰/۸۰ / گزارش می‌شود.

۵. فرم کوتاه مقیاس تجارب در روابط نزدیک<sup>۴</sup>: این مقیاس توسط وی، راشل، کینمال رودت، و واگل<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) در ۱۲ آیتم در دو بُعد دلبستگی اضطرابی و اجتنابی و بر روی

1. Behavioural Systems Questionnaire (BSQ).  
 2. Furman, W., & Wehner, E.A.  
 3. Furman, W., Simon, V. A., Shaffer, L., & Bouchey, H. A.  
 4. Experiences in Close Relationship Scale- Short form (ECR-S).  
 5. Wei, M., Russell, D. W., Mallinckrodt, B., & Vogel, D. L.

طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) طراحی شد. در ضمن حداقل و حداکثر نمره در هر خرده مقیاس ۶ و ۴۲ نمره می‌باشد. وی و همکاران (۲۰۰۷) پایایی این مقیاس را در دو مطالعه جداگانه برای خرده مقیاس اضطرابی ۰/۸۰ و ۰/۸۲ و برای خرده مقیاس اجتنابی ۰/۸۳ و ۰/۸۶ گزارش دادند. این پژوهشگران به منظور بررسی روایی سازه این مقیاس، آن را با متغیرهایی نظیر ترس از صمیمیت، واکنش گسلش عاطفی همبسته کردند. نتایج نشان داد همبستگی زیر مقیاس اجتنابی با متغیرهای ترس از صمیمیت ۰/۷۴ و گسلش عاطفی ۰/۵۹ مثبت و معنادار است، در حالی که همبستگی زیر مقیاس اضطرابی با این دو متغیر پایین بود (به ترتیب ۰/۳۳ و ۰/۳۰). در ایران در پژوهشی خجسته مهر، کوچکی و رجبی (۱۳۹۱) پایایی این مقیاس را از روش‌های دو نیمه‌سازی و آلفای کرونباخ برای بُعد دل‌بستگی به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۵ و برای بُعد دل‌بستگی اضطرابی به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۸ گزارش دادند. در این پژوهش از بُعد دل‌بستگی اجتنابی استفاده شد و پایایی این بُعد را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ گزارش می‌شود.

۵. بخشش در روابط زناشویی<sup>۱</sup>: برای اندازه‌گیری بخشش از مقیاس بخشش در روابط زناشویی مک‌کالوو همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) استفاده شد. این مقیاس از ۵ آیتم تشکیل شده است که در این پژوهش از ۴ آیتم آن استفاده شد. علت اینکه از آیتم ۵ استفاده نشد به دلیل این بود که این آیتم به ارزیابی بخشش در ازدواج نمی‌پرداخت. زوج‌ها به هر آیتم این مقیاس بر روی یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (اصلاً) ۱ تا ۵ (کاملاً) میزان موافقت خود را در هر آیتم مشخص کنند و حداقل و حداکثر نمره‌ای که در این مقیاس به دست می‌آید به ترتیب ۴ تا ۲۰ می‌باشد. فینچام و همکاران (۲۰۰۲) پایایی این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۸۵ تا ۰/۸۳ گزارش دادند. پژوهشگران ابتدا این ۴ آیتم را ترجمه و سپس در اختیار یکی از اعضای هیئت علمی گروه زبان انگلیسی قرار داد تا به زبان انگلیسی

1. Interpersonal forgiving in close relationships.

2. McCullough, M. E., Worthington Jr., E. L., & Rachal, K. C.





همبستگی						آمار توصیفی		متغیرها
۶	۵	۴	۳	۲	۱	انحراف استاندارد	میانگین	
		۱	۰/۲۶**	۰/۶۳**	-۰/۴۴**	۲/۹۲	۱۴/۶۴	بخشش زناشویی
	۱	-۰/۴۱**	۰/۲۸**	-۰/۴۰**	۰/۳۱**	۵/۵۴	۱۹/۱۲	اسناد روابط
۱	-۰/۵۰**	۰/۶۹**	-۰/۴۲**	۰/۶۰**	-۰/۵۲**	۱۰/۳۹	۳۳/۰۷	رضایت زناشویی

\*\*p<۰/۰۰۱

جدول شماره (۲) شاخص‌های برازندگی الگوی اصلاح شده پژوهش را نشان می‌دهد. طبق مندرجات جدول شماره (۲)، برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مانند مقدار مجذور کای<sup>۱</sup> ( $\chi^2$ )، سنججه هنجار شده مجذور کای<sup>۲</sup> (نسبت مجذور کای بردرجات آزادی)، شاخص نیکویی برازش<sup>۳</sup> (GFI)، شاخص برازش هنجار شده<sup>۴</sup> (NFI)، شاخص برازندگی تطبیقی<sup>۵</sup> (CFI) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب<sup>۶</sup> (RMSEA) استفاده شد.

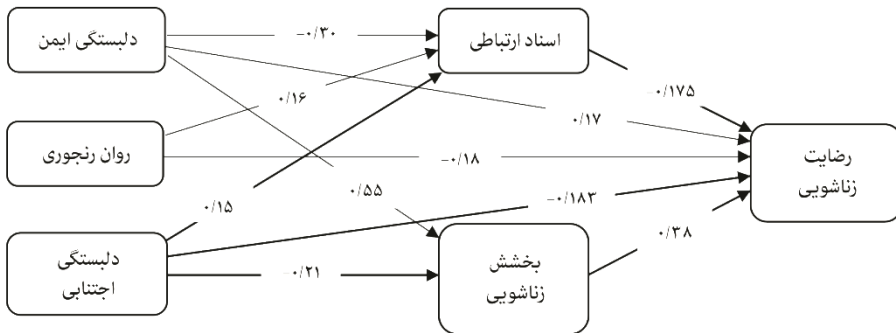
جدول ۲. شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش

شاخص‌های	$\chi^2$	Df	P	( $\chi^2/df$ )	NFI	TLI	CFI	RMSEA
برازندگی	۲/۴۲	۱	۰/۱۲	۲/۴۲	۰/۹۹	۰/۹۵	۰/۹۹	۰/۰۷
دامنه قابل قبول			P>0/05	۱ تا ۳	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	<۰/۰۸

همانگونه که در جدول شماره (۲) نشان داده شده است، مجذور کای مدل با  $df = 1$  برابر با  $2/42$  ( $P = 0/001$ ) معنادار است. شاخص‌های برازندگی مدل از جمله، NFI، TLI و

1. Chi-Square.
2. Normed  $\chi^2$  Measure.
3. Goodness-of-Fit.
4. Normed Fitness Index.
5. Comparative Fit Index.
6. Root Mean Square Error of Approximation.

CFI به ترتیب ۰/۹۹، ۰/۹۵ و ۰/۹۹ است که همگی بالاتر از مقدار قابل قبول ۰/۹۰ و شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) ۰/۰۷ می باشد که بیانگر مناسب بودن مدل است. بنابراین می توان به طور کلی گفت که مدل پژوهش حاضر از برازش بسیار خوبی برخوردار است.



شکل (۲): مدل نهایی پژوهش حاضر

همانطور که در شکل شماره (۲) مشاهده می شود، ضرایب مسیر مستقیم دل‌بستگی ایمن به رضایت زناشویی ( $\beta=0/17$  و  $P<0/001$ )، دل‌بستگی اجتنابی به رضایت زناشویی ( $\beta=-0/183$  و  $P<0/001$ )، روان رنجوری به رضایت زناشویی ( $\beta=0/183$  و  $P<0/001$ )، اسناد ارتباطی به رضایت زناشویی ( $\beta=0/175$  و  $P<0/001$ ) و بخشش زناشویی از همسر به رضایت زناشویی ( $\beta=0/38$  و  $P<0/001$ ) در سطح آماری معنادار هستند.

یکی از مهمترین سوال های این پژوهش آن بود آیا اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی می توانند نقش میانجی‌گری دل‌بستگی ایمن و اجتنابی و روان رنجوری و رضایت زناشویی را داشته باشند. برای آزمون این سوال، از آزمون بوث استرپ<sup>۱</sup> استفاده شد. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر را می توان در جدول ۳ مشاهده نمود.

1. Bootstrap.

جدول ۳. نتایج بوت استراپ برای مسیرهای واسطه‌ای

تخمین استاندارد	سطح معناداری	حد بالا	حد پایین	تخمین غیر استاندارد	مسیرها
۰/۳۲***	۰/۰۰۱	۰/۴۸	۰/۳۰	۰/۳۸	بخشش زناشویی ← دل‌بستگی ایمن رضایت زناشویی
۰/۱۲***	۰/۰۰۱	۰/۲۱	۰/۱۰	۰/۱۵	اسناد ارتباطی ← دل‌بستگی ایمن رضایت زناشویی
-۰/۱۲***	۰/۰۰۱	-۰/۱۴	-۰/۳۰	-۰/۲۱	اسناد ارتباطی ← دل‌بستگی اجتنابی رضایت زناشویی
-۰/۲۵***	۰/۰۰۱	-۰/۳۴	-۰/۵۷	-۰/۴۵	بخشش زناشویی ← دل‌بستگی اجتنابی رضایت زناشویی
-۰/۱۲***	۰/۰۰۱	-۰/۲۵	-۰/۱۷	-۰/۱۷	اسناد ارتباطی ← روان رنجوری رضایت زناشویی

\*\*\*  $p < ۰/۰۰۱$

نتایج مندرج در جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که نتایج بوت استراپ برای مسیرهای واسطه‌ای، در سطح آماری ( $P < ۰/۰۰۱$ ) معنی دار است. فاصله اطمینان ۰/۹۹ و تعداد نمونه‌گیری مجدد بوت استراپ ۵۰۰۰ است. با توجه به اینکه در تمامی مسیرها، صفر بیرون از فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، روابط واسطه‌ای مفروض معنادار هستند. بنابراین با توجه به این یافته‌ها پاسخ به سومین سوال پژوهش یعنی اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی می‌توانند نقش میانجی‌گری دل‌بستگی ایمن و اجتنابی و روان رنجوری و رضایت زناشویی، تأیید می‌شود. بنابراین اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی نقش میانجی میان دل‌بستگی ایمن و اجتنابی با رضایت زناشویی و اسناد ارتباطی به عنوان متغیر میانجی در ارتباط با روان رنجوری با رضایت زناشویی قرار گرفت.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر ارزیابی نقش واسطه‌ای اسنادهای ارتباطی و بخشش زناشویی در رابطه بین روان رنجوری، سبک‌های دل‌بستگی (ایمن/اجتنابی) و رضایت

زناشویی بود. نتایج این پژوهش حاکی از رابطه مثبت بین دلبستگی ایمن و بخشش زناشویی با رضایت زناشویی و رابطه منفی بین روان رنجوری، دلبستگی اجتنابی و اسناد ارتباطی با رضایت زناشویی بود. همچنین نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد دلبستگی ایمن و اجتنابی و روان رنجوری از طریق تأثیر بر اسناد ارتباطی بر رضایت زناشویی تأثیر داشت اما تنها دلبستگی ایمن و اجتنابی بود که از طریق تأثیر بر بخشش زناشویی بر روی رضایت زناشویی تأثیر داشت. که در ادامه به تبیین این یافته‌ها پرداخته می‌شود.

یافته اول حاکی از ارتباط منفی روان رنجوری با رضایت زناشویی بود که با پژوهش‌های فیشر و مک نالتی (۲۰۰۸)؛ جوانمرد و گاراگزلو (۲۰۱۳)؛ مالوف و همکاران (۲۰۱۰) و سایه میری و همکاران (۲۰۲۰) هماهنگ بود. همچنین از ارتباط غیرمستقیم روان رنجوری با رضایت زناشویی با متغیر میانجی اسناد ارتباطی حاکی بود که با پژوهش کارنی و برادبری (۲۰۰۰)؛ برابردی و همکاران (۱۹۹۴)؛ مک نالتی (۲۰۰۸) و فین و همکاران (۲۰۱۳) هماهنگ است. با توجه به این یافته به نظر می‌رسد نباید نقش ویژگی‌های شخصیتی از جمله روان رنجوری را در پویایی‌ها و روابط زناشویی زوج‌ها نادیده گرفت. به طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان داد روان رنجوری به عنوان یک منبع آسیب‌پذیری پایدار شخصیتی بر فرایندهای سازگاری زن و شوهر و نتایج یک ازدواج تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد یکی از ویژگی‌های زنان و مردان روان رنجور گرایش به تجربه احساسات منفی و ماندن در این احساسات می‌باشد. بنابراین روان رنجوری به عنوان یک ویژگی درون فردی می‌تواند بر روی شناخت، احساسات و رفتار افراد نقش داشته باشد. از این رو این ویژگی می‌تواند روی اسناد ارتباطی هم تأثیرات منفی و سپس بر روی رضایت زناشویی تأثیرگذار است. در این زمینه پژوهش فین و همکاران (۲۰۱۳) تایید کردند که مقادیر اثرات غیرمستقیم ویژگی‌های شخصیتی از طریق متغیر میانجی اسناد ارتباطی با رضایت زناشویی خیلی بیشتر از ویژگی‌های مربوط به همسر به عنوان میانجی بود.

بنابراین به نظر می‌رسد اسنادهایی پیش‌داورانه‌ای برای زن و مردان به عنوان یک مکانسیمی برای چگونگی ارتباط منفی روان رنجوری با رضایت زناشویی عمل می‌کند. از این‌رو، بر اساس پژوهشی اگرزوجه‌ها رفتارهای منفی زیاد و مکرری در روابط زناشویی نسبت به همسر خویش داشته باشند به نظر می‌رسد پیامدهای منفی بسیاری برای رضایت زناشویی آنان به همراه داشته باشد (ویلیامز و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین از آنجایی که زن و شوهرانی که دارای ویژگی روان رنجوری هستند خصوصاً در سال‌های اول ازدواج نسبت به تغییراتی که در زندگی خودشان به وجود می‌آید اصولاً واکنش‌های بسیار منفی و با حساسیت فراوانی نشان می‌دهند و این حساسیت و منفی‌گرایی به صورت مکرر در طول سال‌های زیادی اگر رخ بدهد احتمالاً استرس‌های ناشی از آسیب‌پذیری‌های شخصیتی یک همسر به همسر دیگر سرایت می‌کند و پیامدهای منفی را ایجاد می‌کند و این امر در شدت اسنادهای منفی بسیار مؤثر است. زیرا اسناد دادن مکرر مشکلات به همسر و مقصر دانستن او، یکی از عوامل کاهش رضایت زناشویی است. ارزیابی اسنادهای زناشویی در بین همسران مشخص کرده است که همسران ناخشنود، ترجیح می‌دهند تأثیر وقایع منفی را افزایش داده و تأثیر وقایع مثبت را کاهش دهند. برای مثال دلیل یک رفتار منفی را به شخصیت همسر نسبت می‌دهند و این موقعیت را ثابت و دائمی در نظر گرفته و آن را به تمام ابعاد رابطه تعمیم می‌دهند. از این‌رو، در هنگام بروز آسیب از سوی همسر خود، رفتار اشتباه وی را عمدی، پایدار، خودخواهانه، مقصر و تأثیرگذار بر دیگر جنبه‌های زندگی جلوه می‌دهند و بدین ترتیب نگرش منفی و غیرسازنده‌ای را اعمال می‌کنند که در نهایت باعث کاهش رضایت زناشویی و تداوم آسیب به رابطه زناشویی آنان می‌شود.

دیگر یافته این پژوهش از ارتباط مثبت و معنادار بین دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی هماهنگ با پژوهش‌های داهلینگ و لیبری (۲۰۱۵)؛ کاب و همکاران (۲۰۰۱)؛ آشی و همکاران (۲۰۱۰) و شیرین و همکاران (۲۰۱۴) و ارتباط منفی و معنادار بین

دلبستگی اجتنابی با رضایت زناشویی که با پژوهش‌های دینرو همکاران (۲۰۱۵)؛ سیدال و لاچمار (۲۰۱۶) و گلیسون و فینز جرال (۲۰۱۴) هماهنگ است، حاکی بود. همچنین دلبستگی ایمن و اجتنابی از طریق اسناد ارتباطی و بخشش زناشویی بر روی رضایت زناشویی تأثیر گذاشت که با پژوهش‌های برنت و همکاران (۲۰۰۹)؛ برنت و همکاران (۲۰۰۷) و لاولز و همکاران (۲۰۰۶) هماهنگ بود. تئوری دلبستگی به عنوان چارچوب نظری قویی برای درک اینکه چه وقت و چرا افراد ممکن است با بخشش به یک تخلف پاسخ دهند در نظر گرفته می‌شود، زیرا سبک‌های دلبستگی می‌توانند چگونگی مذاکره در مورد روابط بین فردی و همچنین متغیرهای مرتبط با بخشش را پیش‌بینی کنند. به عنوان مثال که دلبستگی ایمن پیش‌بینی کننده مهمی در گرایش به بخشش است (آشی و همکاران، ۲۰۱۰). زیرا افرادی که دلبستگی ایمن دارند دارای بسیاری از ویژگی‌های مثبت مانند همدلی، توافق‌پذیری و توانایی خودتنظیمی هیجانی هستند. در نتیجه داشتن این ویژگی‌های مثبت به فرد قربانی کمک می‌کند با همدلی کردن با فرد متخلف، کنترل احساس خشم و پذیرش احساسات منفی و تمرکز بر روی احساسات مثبت راحت‌تر بتواند فرد متخلف را ببخشد و از این رو است که در افراد دارای دلبستگی ایمن میزان بخشش بیشتری شکل می‌گیرد. این در حالی است که سبک‌های دلبستگی ناایمن مانند سبک دلبستگی اجتنابی منجر به کاهش رضایت زناشویی می‌شود زیرا این افراد در ارتباط با دیگران و یا درک آنان دچار مشکل هستند، تخلفات بین فردی را بسیار شدیدتر از آنی که رخ می‌دهند درک می‌کنند، همدلی با فرد متخلف بسیار کم صورت می‌گیرد، در درک همسر خود نسبت به دیگران غیراعتماد و دوری کننده هستند، از صمیمیت با دیگران ناراحت می‌شوند و همچنین بسیار بر روی احساسات منفی که ناشی از یک تخلف ایجاد شده متمرکز می‌شوند و این موارد سبب می‌شود که آنان پس از وقوع یک تخلف در زندگی زناشویی شان کمتر ببخشند و از این رو در بهبود و ترمیم رابطه مشکل بیشتری دارند و از آنجایی که پژوهش‌های مختلف نشان داده است که رابطه بین

بخشش و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری است در نتیجه سبک‌های دلبستگی ایمن از طریق تسهیل بخشش بر روی رضایت زناشویی تأثیر مثبتی می‌گذارد و از سوی دیگر دلبستگی اجتنابی که به دلایل مختلف فرایند بخشش را مثلاً در تعارضات زناشویی کاهش می‌دهد می‌تواند تأثیر و رابطه منفی داشته باشد.

از سوی دیگر سبک‌های دلبستگی از طریق متغیر میانجی اسناد ارتباطی بر روی رضایت زناشویی تأثیر دارد که با پژوهش‌های سومرو و کوزالی (۲۰۰۴) و گالو و اسمیت (۲۰۰۱) هماهنگ است. در تبیین این یافته باید بیان کرد که اسنادها معمولاً به قضاوت‌های همسران برای توضیح رفتارهای یکدیگر از جمله اهداف و علل رفتارها اشاره دارد. به عنوان مثال در تبیین دلبستگی اجتنابی در ارتباط با اسناد رفتاری و تاثیری که بر رضایت زناشویی می‌گذارد می‌توان گفت این افراد تمایل دارند رفتارهای را به شیوه بسیار منفی پردازش کند بدون اینکه آگاهی داشته باشند که ممکن است تجارب دلبستگی اجتنابی‌شان می‌تواند بر روی اسنادها و شیوه پردازش منفی آنها تأثیر بگذارد. به عنوان مثال وقتی اتفاق مبهمی بین زن و شوهر رخ می‌دهد، افرادی که از دلبستگی ایمن کمتری برخوردار هستند نسبت به افرادی که دارای دلبستگی ایمن، نیت و قصد همسر خود را بیشتر منفی و خصومت‌آمیز برداشت می‌کنند. به عنوان مثال نتایج پژوهش کالینزو و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد افرادی که دارای دلبستگی اضطرابی و اجتنابی هستند هنگامی که با تخلف یا تخلف‌های همسر خود روبرو می‌شوند احتمال بیشتری وجود دارد که اسناد منفی و ناراحت‌کننده را مورد تأیید قرار دهند. بنابراین افرادی که دارای دلبستگی ناایمن هستند احتمالاً البته به طور ناخودآگاه به دنبال تأیید اعتقادات منفی خود باشند نه به دنبال بررسی امکانات و واقعیت‌های جاری. بنابراین با توجه به ترس از طرد شدن، کنار گذاشته شدن و سعی در دور شدن از دیگران و عدم صمیمیت که در ویژگی افراد اجتنابی هستند جای تعجب نیست که چرا این افراد اتفاقات زندگی را با یک قضاوت منفی تعبیر می‌کنند و در پی تأیید این قضاوت‌ها هستند و همین امر در

کاهش روابط و رضایت زناشویی بین زوج‌ها مؤثر است.

در ادامه به تبیین ارتباط بخشش زناشویی و اسنادهای زناشویی با رضایت زناشویی پرداخته می‌شود. یافته دیگر این پژوهش از ارتباط مثبت و معنادار بخشش زناشویی با رضایت زناشویی حاکی بود که با پژوهش‌های برایت وید و همکاران (۲۰۱۶)؛ دیوید و استفورد (۲۰۱۵)؛ مک نالتی (۲۰۰۸) و هوک و همکاران (۲۰۰۹) هماهنگ بود. همانطور که اشاره شد پژوهش‌های مختلفی مانند پژوهش حاضر گزارش دادند بخشش زناشویی، رضایت و کیفیت ازدواج را پیش‌بینی می‌کند. در زمینه ارتباط بین این دو متغیر می‌توان گفت همسرانی که شریک زندگی خویش را به خاطر وجود تخلفی می‌بخشند، دارای بیشترین عملکرد زناشویی هستند، به عبارتی دیگر هرچه همسران بیشتر در زندگی زناشویی خود ببخشند نگرش و برداشت مثبتی نسبت به یکدیگر در زندگی خواهند داشت، انصاف و تعادل قدرت در بین آنان بیشتر حکم فرماست و روابط زناشویی صمیمی و سازگاری با یکدیگر خواهند داشت؛ به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که این چنین نتایجی را در زندگی زناشویی ناشی از بخشش زناشویی است. از این رو است که بخشش زناشویی به عنوان یک استراتژی و یا سبک حل تعارض در میان زوج‌ها عمل می‌کند. به عبارتی وقتی بین زوج‌ها اختلاف و تعارضی به وجود بیاید وجود بخشش موجب می‌شود توانایی حل مسئله زناشویی بالاتر رود و بالتبع آن رضایت زناشویی هم بالاتر خواهد رفت (گیل، کریستنسن و فینچام، ۱۹۹۹).

و بالاخره یافته دیگر این پژوهش حاکی از ارتباط منفی بین اسناد رفتاری و رضایت زناشویی بود که با پژوهش‌های برادبری و فینچام (۱۹۹۰)؛ فینچام و همکاران (۲۰۰۰) و فینچام و همکاران (۱۹۹۷) هماهنگ بود. در تبیین این ارتباط می‌توان گفت اسنادی که تأثیر رویدادهای منفی روابط زناشویی را برجسته و وقایع مثبت روابط را به حداقل می‌رساند با رضایت زناشویی پایینی همراه است. بنابراین اگر هر یک از زوج‌ها رفتار منفی شریک زندگی‌اش را عمدی، سرزنش‌کننده و خودخواهانه مورد قضاوت قرار بدهد



موجب کاهش رضایت زناشویی و افزایش پریشانی ابتدا در کوتاه مدت خواهد شد و اگر در درازمدت این اسنادها ادامه پیدا کند احتمالاً کاهش شدیدی از رضایت زناشویی را مشاهده خواهند کرد.

این پژوهش همانند پژوهش‌های دیگر دارای محدودیت‌هایی است که در ادامه به چند نمونه از این محدودیت‌ها اشاره می‌شود. ۱- این پژوهش بر روی زنان و مردان متأهل شهر شهرکرد در استان چهارمحال و بختیاری انجام شده است بنابراین تعمیم نتایج به زنان و مردان استان‌های دیگر کشورمان ایران با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی که وجود دارد باید با احتیاط صورت پذیرد؛ ۲- از آنجایی که این پژوهش یک پژوهش همبستگی است نه علت و معلولی؛ بنابراین در تفسیر نتایج باید احتیاط بیشتری صورت گیرد؛ ۳- همچنین این پژوهش بر روی زنان و مردانی که حداکثر ۵ سال از ازدواج مشترک آنان گذشته است بنابراین در تعمیم به افراد متأهلی که سال‌های زیادی در کنار هم زندگی کرده‌اند باید با احتیاط صورت گیرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود ۱- با توجه به اینکه در این پژوهش از ابزارهای خودگزارش دهی استفاده شده است در پژوهش‌های آینده از روش‌های مختلفی استفاده شود که میزان سوگیری مربوطه را به حداقل برساند. ۲- در این پژوهش همه شرکت‌کنندگان در ۵ سال اول زندگی خویش بودند از این رو احتمالاً واریانس رضایت زناشویی محدود می‌کند، بنابراین پیشنهاد می‌شود که در پژوهش آینده از شرکت‌کنندگانی استفاده شود که مدت ازدواج آنان بیشتر از ۵ سال باشد. ۳- یافته‌های این پژوهش خصوصاً در زمینه روان‌رنجوری می‌تواند آغازی برای پژوهش‌های دیگری در آینده و در زمینه خانواده باشد چراکه یکی از یافته‌های این پژوهش نشان از ارتباط روان‌رنجوری و رضایت زناشویی بود که این یافته نشان داد که حتی در میان زوج‌هایی که در ابتدای زندگی هستند روان‌رنجوری می‌تواند با رضایت از رابطه‌شان در ارتباط باشد.

## سپاسگزاری

از کلیه شرکت کنندگان محترمی که در انجام این پژوهش نهایت همکاری را با پژوهشگران داشتند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

## منابع

- اصلائی، خ؛ عبدالهی، ن؛ و امان الهی، ع. (۱۳۹۶). رابطه سبک دلبستگی با تعهد زناشویی با میانجیگری تمایز یافتگی خود و احساس گناه در دانشجویان زن متأهل شهراواز. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۶ (۶۱)، ۱۸۸-۲۱۷.
- پیوسته، ب؛ دهشیری، غ؛ و موسوی، س. ف. (۱۳۹۷). مطالعه تغییرات رضایت زناشویی، رضایت جنسی و بهزیست ذهنی در سال اول زندگی مشترک: تحلیل روند. *پژوهش‌های مشاوره*، ۴۱ (۱)، ۸۴-۱۰۶.
- خجسته مهر، ز؛ غفاری، ن؛ و کرای، ا. (۱۳۸۹). اسنادهای ارتباطی به عنوان پیش بین قوی موقعیت زناشویی زنان. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۳۴، ۱۲۱-۱۰۷.
- خجسته مهر، ز؛ کوچکی، ز؛ و رجیبی، غ. ر. (۱۳۹۱). نقش واسطه‌ای اسنادهای ارتباطی و راهبردهای حل تعارض غیرسازنده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت زناشویی. *روان‌شناسی معاصر*، ۷ (۲)، ۳-۱۴.
- کاوه فارسانی، ذ. (۱۳۹۹). ارزیابی مدل رابطه‌ی عذرخواهی و کیفیت روابط زناشویی با میانجی‌گری همدلی زناشویی و بخشش عاطفی. *فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۱۰ (۲)، ۷۲-۵۱.
- کردی، م؛ اصلائی، خ؛ و عباس امان‌الهی، ع. (۱۳۹۶). صمیمیت جنسی و اعتماد به عنوان تعدیل‌کننده‌های رابطه سبک دلبستگی ایمن و تعهد زناشویی. *روان‌شناسی کاربردی*، ۱۱ (۳)، ۳۳۳-۳۵۱.
- نیکوگفتار، م؛ و جزایری، ف. (۱۳۹۸). صفات پنج عاملی شخصیت به منزله عاملی پیش‌بین در پرخاشگری مادران. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۲۰ (۲)، ۶۸-۵۸.
- هاشم مطوری، ح؛ عابدی، م. ز؛ و نیلفروشان، پ. (۱۳۹۹). معنای شغلی و بهزیستی ذهنی: نقش میانجیگری رضایت شغلی. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*، ۱۹ (۷۳)، ۱۴۵-۱۶۹.
- Ashy, M., Mercurio, A. E., & Malley-Morrison, K. (2010). Apology, Forgiveness, and Reconciliation: An Ecological World View Framework. *Individual Differences Research*, 8(1), 17-26.
- Bowlby, J. (1988). *A Secure Base: Clinical Applications of Attachment Theory*. Oxfordshire, UK: Routledge
- Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1990). Attributions in marriage: Review and critique. *Psychological bulletin*, 107(1), 3-33.
- Braithwaite, S. R., Mitchell, C. M., Selby, E. A., & Fincham, F. D. (2016). Trait forgiveness and enduring vulnerabilities: Neuroticism and catastrophizing influence relationship satisfaction via less forgiveness. *Personality and*

- individual differences, 94, 237-246.
- Burnette, J. L., Davis, D. E., Green, J. D., Worthington Jr, E. L., & Bradfield, E. (2009). Insecure attachment and depressive symptoms: The mediating role of rumination, empathy, and forgiveness. *Personality and individual differences*, 46(3), 276-280.
- Burnette, J. L., Taylor, K. W., Worthington, E. L., & Forsyth, D. R. (2007). Attachment and trait forgivingness: The mediating role of angry rumination. *Personality and individual differences*, 42(8), 1585-1596.
- Cao, H., Yuan, X., Fine, M., Zhou, N., & Fang, X. (2019). Neuroticism and marital satisfaction during the early years of Chinese marriage: The mediating roles of marital attribution and aggression. *Family process*, 58(2), 478-495. 11.
- Chen, L. H., & Li, T.-S. (2012). Role balance and marital satisfaction in Taiwanese couples: An actor-partner interdependence model approach. *Social indicators research*, 107(1), 187-199.
- Cobb, R. J., Davila, J., & Bradbury, T. N. (2001). Attachment security and marital satisfaction: The role of positive perceptions and social support. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27(9), 1131-1143.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1994). Cognitive representations of attachment: The structure and function of working models. In K. *Bartholomew & D. Perlman (Eds.), Attachment processes in adulthood* (Vol. 5, pp. 53-90). London: Jessica Kingsley.
- Collins, N. L., Ford, M. B., Guichard, A. C., & Allard, L. M. (2006). Working models of attachment and attribution processes in intimate relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32(2), 201-219.
- Costa Jr, P. T., & McCrae, R. R. (2008). *The Revised NEO Personality Inventory (NEO-PI-R)*: Sage Publications, Inc.
- Dahling, J. J., & Librizzi, U. A. (2015). Integrating the theory of work adjustment and attachment theory to predict job turnover intentions. *Journal of Career Development*, 42(3), 215-228.
- David, P., & Stafford, L. (2015). A relational approach to religion and spirituality in marriage: The role of couples' religious communication in marital satisfaction. *Journal of Family Issues*, 36(2), 232-249.
- Deitz, S. L., Anderson, J. R., Johnson, M. D., Hardy, N. R., Zheng, F., & Liu, W. (2015). Young romance in China: Effects of family, attachment, relationship confidence, and problem solving. *Personal Relationships*, 22(2), 243-258.
- Dildar, S., Sitwat, A., & Yasin, S. (2013). Intimate enemies: Marital conflicts and conflict resolution styles in dissatisfied married couples. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 15(10), 1433-1439.
- Feeney, J., & Noller, P. (1996). *Adult attachment*. Thousand Oaks: Sage.
- Fincham, F. D., Beach, S. R., & Davila, J. (2007). Longitudinal relations between forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of family psychology*, 21(3), 542-545.
- Fincham, F. D., Bradbury, T. N., Arias, I., Byrne, C. A., & Karney, B. R. (1997). Marital violence, marital distress, and attributions. *Journal of family*

- psychology, 11(3), 367-372.
- Fincham, F. D., Harold, G. T., & Gano-Phillips, S. (2000). The longitudinal association between attributions and marital satisfaction: Direction of effects and role of efficacy expectations. *Journal of family psychology*, 14(2), 267-285.
- Fincham, F. D., Paleari, F. G., & Regalia, C. (2002). Forgiveness in marriage: The role of relationship quality, attributions, and empathy. *Personal Relationships*, 9(1), 27-37.
- Finn, C., Mitte, K., & Neyer, F. J. (2013). The relationship-specific interpretation bias mediates the link between neuroticism and satisfaction in couples. *European Journal of Personality*, 27(2), 200-212.
- Fisher, T. D., & McNulty, J. K. (2008). Neuroticism and marital satisfaction: The mediating role played by the sexual relationship. *Journal of family psychology*, 22(1), 112.
- Fraley, R. C., & Shaver, P. R. (2000). Adult romantic attachment: Theoretical developments, emerging controversies, and unanswered questions. *Review of General Psychology*, 4, 132-154.
- Furman, W., Simon, V. A., Shaffer, L., & Bouchey, H. A. (2002). Adolescents' working models and styles for relationships with parents, friends, and romantic partners. *Child development*, 73(1), 241-255.
- Gallo, L. C., & Smith, T. W. (2001). Attachment style in marriage: Adjustment and responses to interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 18, 263-289.
- Gill, D. S., Christensen, A., & Fincham, F. D. (1999). Predicting marital satisfaction from behavior: Do all roads really lead to Rome? *Personal Relationships*, 6(3), 369-387.
- Gleeson, G., & Fitzgerald, A. (2014). Exploring the association between adult attachment styles in romantic relationships, perceptions of parents from childhood and relationship satisfaction. *Health*, 2014, 6(13), 1643-1661 .
- Hirschberger, G., Srivastava, S., Marsh, P., Cowan, C. P., & Cowan, P. A. (2009). Attachment, marital satisfaction, and divorce during the first fifteen years of parenthood. *Personal Relationships*, 16(3), 401-420.
- Hoe, S. L. (2008). Issues and procedures in adopting structural equation modeling technique. *Journal of Applied quantitative methods*, 3(1), 76- 83.
- Holt-Lunstad, J., Smith, T. B., Baker, M., Harris, T., & Stephenson, D. (2015). Loneliness and social isolation as risk factors for mortality: a meta-analytic review. *Perspectives on psychological science*, 10(2), 227-237.
- Hook, J. N., Worthington Jr, E. L., & Utsey, S. O. (2009). Collectivism, forgiveness, and social harmony. *The Counseling Psychologist*, 37(6), 821-847.
- Javanmard, G. H., & Garegozlo, R. M. (2013). The study of relationship between marital satisfaction and personality characteristics in Iranian families. *Procedia-social and behavioral sciences*, 84, 396-399.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods, and research. *Psychological bulletin*, 118(1), 3-24.

- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2000). Attributions in marriage: State or trait? A growth curve analysis. *Journal of personality and social psychology*, 78(2), 295-309.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). Research on marital satisfaction and stability in the 2010s: Challenging conventional wisdom. *Journal of Marriage and Family*, 82(1), 100-116.
- Karney, B. R., Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Sullivan, K. T. (1994). The role of negative affectivity in the association between attributions and marital satisfaction. *Journal of personality and social psychology*, 66(2), 413-424.
- Karremans, J. C., & Van Lange, P. A. (2004). Back to caring after being hurt: The role of forgiveness. *European Journal of Social Psychology*, 34(2), 207-227.
- Kurdek, L. A. (1991). Marital stability and changes in marital quality in newly wed couples: A test of the contextual model. *Journal of Social and Personal Relationships*, 8(1), 27-48.
- Lavalekar, A., Kulkarni, P., & Jagtap, P. (2010). Emotional intelligence and marital satisfaction. *Journal of Psychological Researches*, 5(2), 185-194.
- Lawler-Row, K. A., Hyatt-Edwards, L., Wuensch, K. L., & Karremans, J. C. (2011). Forgiveness and health: The role of attachment. *Personal Relationships*, 18(2), 170-183.
- Lawler-Row, K. A., Younger, J. W., Piferi, R. L., & Jones, W. H. (2006). The role of adult attachment style in forgiveness following an interpersonal offense. *Journal of Counseling & Development*, 84(4), 493-502.
- Lichtenfeld, S., Buechner, V. L., Maier, M. A., & Fernández-Capo, M. (.۲۰۱۵). Forgive and forget: Differences between decisional and emotional forgiveness. *PloS one*, 10(5), e0125561.
- Litzinger, S., & Gordon, K. C. (2005). Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of sex & marital therapy*, 31(5), 409-424.
- Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N. S., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2010). The five-factor model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*, 44(1), 124-127.
- McNulty, J. K. (2008). Neuroticism and interpersonal negativity: The independent contributions of perceptions and behaviors. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 34(11), 1439-1450.
- Mikulincer, M. (1998). Adult attachment style and individual differences in functional versus dysfunctional experiences of anger. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 513-524.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2005). Attachment security, compassion, and altruism. *Current directions in psychological science*, 14(1), 34-38.
- Polenick, C. A., Seidel, A. J., Birditt, K. S., Zarit, S. H., & Fingerma, K. L. (2017). Filial obligation and marital satisfaction in middle-aged couples. *The Gerontologist*, 57(3), 417-428.

- Robles, T. F., Slatcher, R. B., Trombello, J. M., & McGinn, M. M. (2014). Marital quality and health: a meta-analytic review. *Psychological bulletin*, 140(1), 140-187.
- Satici, B., & Deniz, M. E. (2020). Relational humor and marital satisfaction in married individuals. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 7(2), 72-78.
- Sayehmiri, K., Kareem, K. I., Abdi, K., Dalvand, S., & Gheshlagh, R. G. (2020). The relationship between personality traits and marital satisfaction: a systematic review and meta-analysis. *BMC psychology*, 8(1), 2-8.
- Scheeren, P., Vieira, R. V. d. A., Goulart, V. R., & Wagner, A. (2014). Marital quality and attachment: The mediator role of conflict resolution styles. *Paidéia (Ribeirão Preto)*, 24(58), 177-186.
- Seedall, R. B., & Lachmar, E. M. (2016). Attachment-related dynamics during a positively themed couple interaction: Implications of anxiety and avoidance. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 5(1), 27-42.
- Shi, L. (2003). The association between adult attachment styles and conflict resolution in romantic relationships. *American Journal of Family Therapy*, 31(3), 143-157.
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Phillips, D. (1996). Conflict in close relationships: An attachment perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 889-914.
- Sumer, N., & Cozzarelli, C. (2004). The impact of adult attachment on partner and self-attributions and relationship quality. *Personal Relationships*, 11, 355- 371.
- Wei, M., Russell, D. W., Mallinckrodt, B., & Vogel, D. L. (2007). The Experiences in Close Relationship Scale (ECR)-short form: Reliability, validity, and factor structure. *Journal of personality assessment*, 88(2), 187-204.
- Williamson, H. C., Ju, X., Bradbury, T. N., Karney, B. R., Fang, X., & Liu, X. (2012). Communication behavior and relationship satisfaction among American and Chinese newlywed couples. *Journal of family psychology*, 26(3), 308-315.